

مجله فَلَاحِ تِجَارَتِ

سال اول

شماره ۵

۱ جوزا یونت نیل ۱۲۹۷

مقاله تیکه با قید امضا در چه می شود خالی از رسمیت است

تبدیلیغات

آزادی تجارت و صنایع

از آنجائیکه روح تجارت در رقابت و ترقی آن بسته به مسابقه و مقابله است و چون امتیازات انحصاری که در این مدت باتباع خارجه و داخله شده است صرف نظر از آنکه فوایدی برای مملکت نداشته بواسطه عدم موفقیت خسارتهائی وارد آورده است که مهم تر از همه عدم رغبت دیگران به تاسیس کارخانجات و شرکتهای تجاری میباشد این وزارت خانه تصمیم کرده بود که برای پیشرفت تجارت ازدادن امتیازات انحصاری خود داری کند تا در مسابقه و رقابت صنعت گران و تجار بتوانند وسایل ترقی اقتصادی مملکت را فراهم کنند اینک که چند نفر امتیازاتی تقاضا نموده بودند بایشان اطلاع داده شد که این وزارت خانه از واگذار کردن امتیازات انحصاری معذور است چنانچه میل داشته باشند بمسابقه آزاد عملیات خود را شروع کنند مانعی در میان نیست و فقط پس از تحصیل اجازه و فراهم آوردن موجبات اطمینان خاطر این وزارت خانه میتوانند شروع به اقدام نمایند.

تاسیس مدرسه صنایع

نظر با اهمیت صنایع در حالت اقتصادی مملکت و بملاحظه اینکه صنایع ایران مدت زمانی است دستخوش فقرت و نزدیک بانهدام است در ۱۸ و ۲۵ نور هذمه السنه کمیسونی بحضور آقای حکیم الملک وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه مرکب از اشخاصی بصیر برای تهیه مقدمات

تاسیس مدرسه صنایع در این وزارت خانه تشکیل یافت . پس از مذاکرات مقدماتی قرار شد اعضای کمسیون بودجه و پروگرام و سایر موجبات تاسیس آنرا فراهم آورده پیشنهادهائی در این خصوص بنمایند و نظر به پیشنهاد آقای حکیم الملک وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه پارك مرحوم امین الهندک که بتوسط انجمن خیریه پرورش به مبلغ بیست هزار تومان خریداری شده برای محل مدرسه مناسب بنظر آمد و چون هفت هزار تومان از قیمت آن هنوز پرداخته نشده بود این وزارت خانه تصمیم نمود که مراتب را به هیئت وزراء عظام پیشنهاد و اجازه پرداخت مبلغ باقی مانده قیمت پارك از طرف دولت صادر و بادای وجه مذکور پارك مزبور را برای مقصودی که در پیش دارد بتصرف در آورده هیئت وزراء عظام نظر با اهمیت موضوع این پیشنهاد را باحسن قبول تلقی فرموده و در جلسه ۲۶ نور یونت نیل تصویب فرمودند که باقی مانده قیمت پارك مرحوم امین الملک که بالغ به هفت هزار تومان است از طرف دولت پرداخته شود تا این وزارت خانه مدرسه را که در نظر دارد در آن محل تاسیس و بوسیله آن بتواند موجبات ترقی صنایع را فراهم آورده و قسمت عمده فلاکت کنونی را که بواسطه قلت صنعت گران و عدم اهمیت صنایع فراهم شده مرتفع سازد و تصویب نامه فوق الذکر در تحت نمره ۲۵۲ باین وزارت خانه رسیده و بوزارت جلیله مالیه ابلاغ شده است .

اهمیت اطاق تجارت

نظر با اهمیت یک مجلس تجارتي که در مسائل راجحه بتجارت و امور صنعتی و اقتصادی با این وزارت خانه را

نامه مورخه سنه ۱۳۰۷ تا بحال که ۲۹ سال گذشته است از این بابت دیناری بدولت نپرداخته و ازارانه صورت حساب سالیانه که در قرار داد تصریح شده است استنکاف داشته در تاریخ ۲۶ قوس ۱۳۳۵ گذشته این وزارت خانه بوزارت جلیله امور خارجه مراجعه نمود که صورت حساب ۲۹ ساله کمپانی مزبور را مطالبه نمایند تا حقوقی که بدولت علیه تعاقب میگیرد معین و مطالبه شود و چون راه از حضرت عبد العظیم تا قم و عراق که از شعب این راه میباشد خراب بود در همان ایام بوزارت امور خارجه نیز اطلاع داده شد که کمپانی مزبور را به تعمیر آن ملزم سازند کمپانی لنج در مراسله مورخه ۲۰ حمل (۲۸ جمادی الثانیه ۱۳۳۶) که بوزارت امور خارجه نوشته است اظهار میدارد که بواسطه کرانی ارزاق مجبور شده اند بر حقوق راهداری بیافزایند و بواسطه عدم امنیت راه خساراتی متوجه کمپانی شده است .

بالاخره این وزارت خانه در مراسله مورخه ۵ ثور هذمه السنه مراتب ذیل را بوزارت جلیله امور خارجه خاطر نشان نموده است .

۱) در ماده هفتم امتیاز راه تصریح گردیده : پس از انقضای یکسال از ابتدای شروع سرویس حمل و نقل صاحب امتیاز باید ۲۰ درصد عایدات خالص را بدولت ایران بدهد

۲) در ماده دهم دولت حق دارد که برای اجرای ماده هفتم بمحاسبات کمپانی هر ششماه یک مرتبه رسیدگی نماید .

۳) در امتیاز نامه مصرح است که باج برای راه تهران تا قم اخذ شود و عبور از خط طهران الی حضرت عبد العظیم آزاد و از تادیبه باج معاف است .

۴) در ماده الحاقی اول ذیقعه بارس نیل ۱۳۰۷ قید شده که نرخ باج برای عبور از پلها بموافقیت دولت معین میشود و برای خط طهران تا قم یک تومان تعیین شده است .

۵) باید کمپانی راه از طهران الی محمره و اصفهان الی بروجرد را بسازد .

کمک فکری نماید و بتواند لوایح و قوانین تجارتنی را در تحت مذاقه بگذارد و اطلاعات صحیح در این موضوع تهیه کنند این وزارت خانه مدتی بود که چندین لایحه قانونی در این باب در تحت نظر دقت کمیسیونهای مختلفه در آورده و جدا در سدد این بود که پیشنهاد مناسبی در این موضوع باملاحظه اطراف کار تهیه نماید تا اینکه بالاخره در کمیسونی که اخیرا تشکیل یافت انعقاد مجلسی بنام ،، شورای تجارت ،، تصمیم و طرح قانونی که ساده تر و عملی تر و بیشتر بامقتضیات و حوائج مملکت موافقت دارد ترتیب یافت که انشاء الله بزودی از تصویب هیئت وزراء عظام گذشته بموقع اجری گذارده خواهد شد .

امیازات اتباع خارجه

در باب امتیازاتی که در غیاب مجلس شورای ملی و یا بقوه جبریه و فشار ازدولت علیه ایران گرفته شده ، چون این قبیل امتیازات که از مجاری قانونی خود نگذشته بر خلاف احتیاجات کنونی و منافع اقتصادی مملکت و در تحت فشار قوه جابره تحصیل شده است بالطبع ملغی است نظر باینکه تا اولیای دولت در اقدامات خود در این باب موفقیت حاصل نمایند ممکن است صاحبان امتیاز متشبث بوسائل غیر مشروعی در ابقای امتیازات مزبور بشوند و اولیای دولت را دچار مشکلات و زحمت نمایند برای جلوگیری از این تشبثات بوزارت جلیله امور خانه نوشته شد که در ضمن متحد المال بسقارت خانه های خارجه در ایران و نمایندگان ایران در خارجه اشعار شود صاحبان امتیاز در کلیه امتیازات بدون اطلاع اولیای دولت علیه حق تاسیس شرکتی و نقل و انتقال باتباع داخله و خارجه بهیچ وجه ندارند و اگر بخواهند تشکیل شرکتی نموده یا نقل و انتقالی بدهند باید باین وزارت خانه مراجعه کرده بعد از تحصیل اجازه مخصوصی اقدام نمایند .

کمپانی لنج و نظریات این وزارت خانه

چون کمپانی لنج و اخوان صاحب امتیاز راه جنوب بر طبق فصل هفتم امتیاز نامه خود میبایست صدی بیست از عایدات خود را بدولت بپردازند و از تاریخ امضای امتیاز

مرور آماده کند و چون در عموم اجرای شرایط مقرر خساراتی به تجاوت مملکت و دولت ایران وارد آمده در این صورت دولت حق خواهد داشت امتیاز نامه مزبور را که حاوی شرایط مضره از قبیل انحصار حمل و نقل و غیره است ملغی و منفسخ دانسته راه مزبور را در تحت اختیار خود در آورد خصوصا در صورتیکه از مدت آخرین امتدادی که به امتیاز آن داده شده بیش از پنج سال باقی نیست و مسلما با تعللی که کمپانی مزبور در ساختن راه ورزیده برای ساختن باقی مانده راه های مذکور این مدت کافی نخواهد بود . -

تا کنون کمپانی مزبور بهیچ یک از شرایط مذکور رفتار نکرده و با وجود اینکه چندین مرتبه امتیاز خود را تمدید داده اقدام با تمام طرق مزبور نمود و بدون اطلاع دولت بمذکر گرانی ارزاق بر باج افزوده است و چون این کار بدون مذاکره با دولت صورت گرفته بهیچ وجه پذیرفته نیست. در این صورت کمپانی باید در مراعات شرایط مقرر و تسویه حساب خود و استرداد وجوهی که علاوه بر مقدار معهود گرفته اقدام نماید و هم چنین ساختن راه حضرت عبدالعظیم که برای اشتغال جمعی کارگر بهترین وسیله است نهایت ضرورت را دارد که بفوریت ساخته و بدون اخذ باج راه مزبور را برای عبور و

فلاح و متعلقات آن

دفع سن -

را پیدا کند بدیهی است که از مرغ یا بوفلمون اینکار بعمل نیاید زیرا که اصلا سن را به چشم نمی بیند تا او را بخورد یک طرز هم در افریقا معمول است که فرانسوی ها در موقع ملخ خوارگی مراکش اقدام میکنند و آن اینست که عده از ملخها را گرفته باو انژ کسبون میکروب و بانی که کشف شده است می نمایند و آن ملخ ها را رها کرده چون ملخ ها طبیعتا جست و خیز می کنند و از محصول میخورند ملخهای سالم دیگری که در جای آنها یا از همان علف می خورند مبتلا بوباشده و قس علیهذا بطوریکه با درملخ ها افناده و پس از یکی دوسه روز تخفیف کلی درملخ خوارگی حاصل میشود اما متاسفانه این عمل را برای سن نمیشود معمول داشت زیرا که سن حیوانی است تنبل و بندرت دیده میشود که پای یک بوته گندم که نشست محل خود را تغییر دهد یا باسن دیگری معاشرت نماید بلکه اغلب آرام و در همان بوته منتخبه اولیه می ماند پس از اینطرفی هم دفع آن ممکن نیست اما طریق دیگر که عبارت از جمع آوری باشد آنچه که پارسال تجربه شد اینست که نیز ابتدا نتیجه قطعی ندارد و فقط ممکن است یک مختصر کمکی

راجع به سن و چگونگی زندگی آن و مضرات این حیوان سابقا مطلعین در این مجله مفصلا شرح داده اند فقط این بنده می خواهم بواسطه اطلاعات محلی و تجربیاتی که در سال قبل بعمل آوردم علاج قطعی رفع آنرا بیان کرده و بقارئین محترم عرضه بدارم . محل سکنی این حیوان در کوه قره آغاج است که در اوایل بهار از آنجا حرکت کرده پس از گردشهای لازمه و تخم گذاری با بچه های خود در اواخر تابستان مراجعت می کند . بدوا میباید در روی بوته های زیادی که در آنجا میرویدنشسته بعد همینکه هوا سرد میشود بواش بواش میروند در زیر بوته ها و در پای ریشه های آنها جای میکینند و تمام فصل زمستان را بدون حرکت می مانند . اینکه بعضی از مطلعین ذکر کرده بودند دفع سن ممکن است بواسطه مرغ یا بوفلمون صورت بگیرد بواسطه عدم اطلاع محلی بوده زیرا که بوته های آن کوه هر یک اقلا یک الی دو زرع دایره بزرگیشان است و سنها میروند در قسمت تحتانی بوته پای ریشه ها جای میکینند بطوریکه برای انسان اگر بخواهد آنها را جمع کند باید بایک چوب قسمتی از بوته را بلند کرده و بایک پای خود آنرا نگاه دارد تا بتواند پس از تجسس و پس کردن خاکها در وسط سینه آن حیوان

بنماید زیرا که از دو قسم خارج نیست یا اینکه سنهارا در خود قره آغاج باید جمع کرد یا در دهات . دردهات این مسئله خیلی اشکال دارد زیرا که دانه دانه منفرق هستند و علاوه عده از سنها بنقاط خیلی دور میروند که دست برد بانها خالی از اشکال نیست اما جمع کردن آنها در خود قره آغاج هم تجربه ذیل ثابت میکنند که نتیجه قطعی ندارد : بای یک بوته را با کمال دقت چند نفر گشتم متها فرض نماید صد عدد سن در آن پیدا کردیم همان سنهارا مجددا زیر همان بوته ریختیم و بوته را آتش زدیم پس از سوختن بوته آنچه نه سن سوخته کشف شد و شمردیم بالغ بر صدویست عدد بود در نتیجه معلوم می شود که عده از سنها طوری خود را مخفی کرده بودند که کشف و جمع آوری آنها ممکن شده در صورتیکه در آتش زدن یک دانه از سنها فرار نمی تواند بکنند . تجربیات دیگر که بعد خواهیم نوشت آتش زدن را از هر قسمی سریع تر و قطعی تر بنظر می رساند . یک نفر آدم در صورتیکه در روز هشت ساعت کار بکنند و دقت در سن جمع کردن بنماید متها در روز موفق بجمع آوری هشت الی ده سیر سن بشود در صورتیکه چنان که گفتیم قسمتی از سنها زیر بوته می مانند و نتیجه قطعی حاصل نمیشود . اما در آتش زدن تجربیات ذیل را باید دقت کرد : روزی خود بنده بایکی از مهندسین ممیزی قسمتی را مساحت کردم که هشتاد نفر سرباز در مدت سه روز آتش زده بودند این قسمت بالغ بر ۴۸۶۸۵۲ زرع مربع بود و اگر اینرا بر عده سربازها قسمت بکنیم و کسور و غیره را کنار بگذاریم خواهیم دید که هر سرباز در روز نظامی ۲۰۰۰ زرع مربع را آتش زده است اگر در هر زرع مربع یک بوته فرض شود و در پای هر بوته ۱۰ دانه سن تصور کنیم یک نفر آدم در روز ۲۰۰۰۰ سن معدوم کرده است در صورتیکه در جمع کردن مقدار ده سیر اگر هر سنبل را وزنا نیم نخود بگیریم یک نفر ۷۶۸۰ دانه جمع میکند تفاوت از حیث عدد معلوم است آدمی چقدر مزیت دارد و علاوه در آن فضائی که یک نفر آتش زده است یک دانه موجود نیست در صورتیکه در فضائی که سن را جمع کرده اند باز سنهای دیگر موجود است پس آتش زدن معلوم شد تنها علاج قطعی این حیوان است . از روی همین حساب اگر ما کوه قره

اغاج را ۱۵ فرسنگ مربع بگیریم که معادل با ۵۴۰ میلیون زرع مربع می شود خواهیم دید که ۲۷۰ هزار نفر آدم لازم دارد که در یک روز تمام کوه را آتش بزند بدیهی است بجای یک چنین عده ممکن است در زمان طویل تری نفرات کم تری بکار برد اگر عده را ما ده هزار نفر بگیریم که از اول میزان که سنها مراجعت کرده اند و شروع کنیم با آتش زدن در صورتیکه روزهای بارانی و ایام تعطیل را نیز حساب کنیم خواهیم دید که تا اواخر حمل یک دانه بوته یا لانه سن و یک دانه سن در تمام کوه قره آغاج وجود نخواهد داشت و افلا تا بیست سال اسم سن بکلی از میان می رود . ترتیب دو هزار نفر باید از قرار ذیل داده شود : باید بقسمت ۴۰۰ نفری تقسیم کرده و اولی در سینک - دومی در پاچک - سومی در سیاه چشمه - چهارمی در بهر - و پنجمی در بخچال قرار داده شود مرکز کل را باید در بهر قرار داد و مرکز آذوقه را در ایوان کی باید معین نمود . کلیه مخارجی که این عملیات دارد ~~اص~~ هر نفری را در روز سه قران حساب کنیم و در ضمن مخارج اداری و چسادر و غیره را محسوب کنیم کلیه مخارج بالغ بر ۱۲۰ هزار تومان می شود و آنچه تحقیق شده است هر ساله ضرر سن خوراکی بدولت تنها دو کروار و هفتصد هزار تومان است و این مبلغ در مقابل جزئی مخارج قابل نیست و بعقیده بنده برای اقدام باین کار هیچ لازم نیست دولت مداخله کند بلکه باید کمپانی برای این کار تاسیس کرد و پس از ختم عمل از ملاکین پول گرفت و دولت را هم مثل یک ملاک تصور کرد . برای آتش زدن زاید نمیداند این نکته را بگوید که بوته ها طوری خشک هستند که ابتدا مواد محترقه از قبیل نطف بنزین یا باروت برای کمک لازم نیست بلکه باید هر نفر آدم دارای یک مشعل برای آتش زدن باشد و بعضی اوقات طوری است که آتش زدن یک ردیف بوته باعث می شود که یک تپه بکلی آتش میگیرد .

ناصر قلی اردلان

عضو وزارت داخله

جوگن یا زرت خوشه

اقسام مختلفه آن - زرت جاروبی - زرت خوشه - زرت خوشه آویز - زرت چهل چراغی - زرت قندی - موارد استعمال این پنج قسم - فواید آنها .

های آنرا کشید و فواصل بین آنها را از پنج الی شش گره قرار داد و زیادی آنها را باید کند - وقتی که قد گیاه به یک زرع رسید دور ریشه آنها را باید خاک داد تا نبات زرت را در زمین مستقر و محکم کند و رطوبت را در دور ریشه آن حفظ نماید - اول سنبله زراعتش دست میاید وقتی که تقریباً دانهایش رسید و سنبل آن بواسطه سنگینی دانهایش سرازیر شد یک چهاریک از زیر سنبل آنرا قطع نموده بطرف قلمه میبرند مدت یک هفته الی دو هفته این عمل طول میکشد این سنبل های باین قسم قطع شده را دسته کرده در انبار آنها را سرازیر آویزان میکنند تا سنگینی دانه سبب شود قبل از خشک شدن رشتهای سنبله طویل شود و هرچه رشتهای سنبله آن مستقیم شود قیمتش بیشتر است زیرا برای جاروب ساختن مرغوب تر است همینکه رشتهای سنبله آن خشک شد با کمال احتیاط دانههای آنرا بوسیله شانهای دندان بلند پولادی از رشتا کهای سنبله جدا میکنند . یکصدوسی من دانه در یک جریب هزار زرعی عایدی میدهد یعنی پانصد و بیست تخم اقلای عایدی میدهد و بیست و سه من هم رشتا کهای سنبله آن وزن دارد که یکصد و بیست جاروب های اعلا از آن میتوان ترتیب داد . جاروب هایی که از زراعت کرپه زرت جاروبی بدست آید کم دوام است زیرا رشتا کهای آن شکننده و نرم نیست . و تخم زرت جاروبی برای طیور اهلی دانه خوبی است در بعضی ممالک از آرد دانه او اشکنه میسازند که موسمی نام دارد .

(۲) زرت خوشه که هورا هم او را می نامند

(Holcus doura) در آسیا و افریقا زراعت آن معمول است قد این گیاه به چهار زرع میرسد سنبلش کوتاه و چسبیده بهم است و دانهایش کروی شکل و رنگ آن از سفید هست تا قرمز سپر بر حسب اقسام متعددش الوانش نیز مختلف است . موقع و طریقه کاشتنش مثل زرت جاروبی

جوگن یا زرت خوشه یا گندم مصری بفرانسه سرگو گویندش -

(Sorgho) غله ایست غذایی و صنعتی و پنج قسم آن در زراعت معمول است : زرت جاروبی - زرت خوشه - زرت خوشه آویز - زرت چهل چراغی و زرت قندی تمام این پنج قسم سوای زرت بلالی است که در نمره ۳ شرح آن داده شد و بهترین زرت ها زرت بلالی است . (۱) زرت جاروبی - در اغلب ممالک برای بته آن کشته میشود که ترتیب جاروب های دستی خسانکی از متفرعات سنبل آن میدهند و دانه آنرا برای تربیت طیور اهلی استعمال میکنند هر جا زرت بلالی برسد زرت جاروبی خواهد رسید یعنی در تمام نقاط ایران میرسد و دانه خود را بپرساند سوای بیلاقات خیلی سردسیر ، قد این گیاه تا سه زرع میرسد بر گهای خبلی عریض و در وسط برك آن یک لیف درشت دارد قسمت سنبلش یک چهاریک الی شش گره میشود دانهایش مدور و کمی مسطح است و رنگش زرد قرمز قام است .

زرت جاروبی را Holcus sorghum ارزن هندی ، ارزن دانه درشت و ارزن رومی نیز مینامند . اراضی سست و اراضی حاصل خیز مثل اراضی ورامین را دوست دارد . در اراضی دره ها که حاصل خیز است و رطوبت را در فصل صیفی نگاه میدارد ، برای کشت این قسم زرت خیلی مساعد است روق زمین را مثل ارزن میبرد مثل زرت بلالی بخطوط مستقیم باید کاشته شود و فصل کاشتن این زرت بازرت بلالی یکی است : در تمام بهار و اول تابستان میتوان آنرا کاشت در یک جریب هزار زرعی یک چهاریک از این تخم کفایت میکند یعنی در یک خروار زمین جای گندم چهار من آن برای بذر کافی است . وقتی که بقدر دو گره نمو کرد باید وجین شود و زیادی

چهار الی شش گره است عرض سنبش از يك گره کمتر است دانه‌های سفید رنگ پاسبز رنگ است بر حسب اقسامش در سنکال در سرطان می کارند و در عقب و قوس حاصلش بدست می آید. وقت رسیدنش خیلی مواظبت از حاصلش میکنند زیرا طوطیها عاشق دانه‌های این حاصل اند - در افریقا و بنکاله از دانه این زرت يك قسم شده میسازند که عربها قوسقوس اش گویند.

(۵) زرت قندی (Holeus saccharatus)

شبهه زرت جاروبی است فقط برك ساقه آن بیشتر و رشتا کهای سنبش کوتاه تر است و دانه‌های سیاه رنگ درخشان است در فرنک اینقسم زرت قندی برای علوفه دواب و استخراج قند معمول است ولی استخراج قندش با صرفه نیست از این جهت استخراج قند از آن غیر معمول گردیده و علوفه زرت بلالی هم از آن بهتر است - در ایالات متحده ینک دنیا زرت قندی تولید دو قسم مخصوصی نموده که برای استخراج قند و الکل کشت و زرع میشود. قسم اول زرت قندی نارنجی است (Orange cane) قسم دوم ال زرت قندی زودرس مینزوتا Earlzamber cane

این دو قسم زرت از زرت های قندی قدیم بیشتر ماده قندی دارند. باید در ایران هم این دو قسم اخیر را امتحان نمود شاید از چغندر بواسطه نور فوق العاده ایران بیشتر تولید قند کند و صرفه آن برای قند سازی بیشتر باشد وزارت فلاحات باید اقسام جو کن را در مراعات تجربه خود امتحان فرمایند هر يك برای هر ایالت و ولایت مفید است امر بکشت آن فرمایند - خالصجات اطراف طهران متجاوز از سه هزار خروار گسر بذر دارد عشر این مقدار بذر زرت جبران گسر بذر این مقدار جو و گندم را می کند یعنی سیصد خروار اگر زرت در ورامین و شاپویه بکارند مطمئنا در سه آبه طهران بی نان نخواهد ماند. حالیه بکصدویست خروار از زرت خوشه را باید کاشت اقلا دوازده هزار خروار عابدی خواهد داد باسی و پنجهزار خروار غله امساله خالصجات پنج ماه دلو حوت و حمل نور جوزای سال آبه نان طهران را خواهد داد.

مقوم الملك

مهندس فلاحات

است در ایران از بعد از سیزده عید تا ابتدای سرطان میشود کاشت. محصول کشت حمل در اسد و کشت نور در سنبله و کشت جوزا در میزان بدست خواهد آمد یعنی مدت رسیدن این نبات یکصد و پنجاه الی یکصد و هفتاد روز است. دانه او رایش از نیم گره زیر خاک نباید کرد فواصل خطوط این گیاه از يك دیگر سه چهار يك زرع باید باشد. در يك جریب هزار زرعی پانزده سیر بذر لازم است در صورتیکه به خطوط مستقیم کاشته شود، اگر با دست به باشند يك من الی يك من چهار يك در يك جریب بذر لازم است. در يك خروار زمین جای گندم اگر به خطوط مستقیم بکارند شش من بذر لازم است اگر با دست به باشند بیست من لازم دارد در يك خروار زمین جای گندم چهارده خروار دانه میدهد. تخمی یکصدالی دویست تخم میدهد. این زرت آرد بسیار مغذی خوب سفید میدهد و نانش بسیار سفید و ما کول است فرنگیها از دانه آن مثل دانه زرت بلالی استخراج الکل میکنند. در افریقا از زرت خوشه دانه دورنگ و جو یکقسم آب جو درست میکنند که مطبوع عربها است.

(۳) زرت خوشه آویز (Holeus cernuus)

در افریقا و مصر و هند زراعتش معمول است. خیلی قوی و حاصل دهنده است ولی دیررس تر از زرت خوشه است قد آن به سه زرع الی ۴ زرع بیشتر نمی رسد. رشتا کهای سنبش کوتاه و انشعاباتش زیاد خیلی نزدیک به یکدیگر و همیشه متمایل بطرف زمین است و از این جهت آنرا زرت خوشه آویزی گویند. دانه‌های درشت و گرد و سفید است. در افریقا بجای برنج می خورند مثل عربها زرت خوشه آویز را بشنا و دقیقفا مینامند.

(۴) زرت چهل چراغ

(Holeus spicatus, panicum spicatum, et penicillaria spicata)

در نوبه و سودان و سنکال مالا باد زراعتش معمول است. اینقسم زرت تولید انواع دیگر نموده که بتوسط دانه درشت و ریز از یکدیگر تشخیص داده می شود. نباتش به ارتفاع يك الی دو زرع میرسد برك های بزرگ که لپف وسطش سفید رنگ است دارد. سنبش استوانه شکل و راست و چسپیده یکدیگر و خشن است. طول سنبش

ملاکین و مالکین جزء (۱)

ملاکی و خورده مالکی قدیم - تفاوت آنها با ملاکین و مالکین امروز - اختلاف نظر ملاکین و خورده مالکین در جلوگیری از آفات - اهمیت مالکین جزء بنظر اخلاق اجتماعی!

تمام ترقیات فلاحی گردانیده و وجود آنها را از برای ثروت و ترقی هر ملت لازم کرده است این اشخاص محصولاتی را که سالیان دراز بزحمت در بعضی اراضی عمل میامده است مبدل به محصولات دیگری کرده فواید هنگفتی بر میدارند و همچنین کوتاهی جدیدی از قبیل فضل طبور مواد فسفاته و آهک و غیره را در زراعت برنج متداول کرده اند و انواع مختلفه ماشینها نه تنها از برای صرفه جوئی در کار بلکه از برای تزئین مقدار محصول و اعلا نمودن و اجتناب از اتلاف بکار انداخته اند.

در صورتیکه مالکین جزء متکی بهمان عملیات و روش قدیمه بوده از بکار بردن آلات و قواعد جدید فلاحی میترسند و دوری میکنند و همین نکته بین اخلاق این دوطبقه خداوند از ملک شیار عمیقی حفر میکنند.

این تباین اخلاق مخصوصا در فرانسه در موضوع آفات مو بخوبی ظاهر گشته است. وقتیکه آفات و امراض مختلفه بر تاکستانهای قشنگ و محبوب فرانسه حمله میکرد ملاکین، در صد چاره جوئی برآمده از هیچگونه زحمت، مخارج، امتحان و تجربه و وقت مضایقه نمیگردند و بالاخره علاج را پیدا مینمودند همانطوریکه علاج ائید یوم را (نوعی قارچ ذره بینی که در روی دانه های انگور پیدا میشود و انرا خراب میکند) بوسیله گوگرد و میلدیورا (آفتی که در نوع قارچ تولید میشود که بر گهای مورا ضایع میکند) بوسیله سولفات دو کویر پیدا نمودند.

در صورتیکه هنگام آفت فلیکسرا (قسمی حشره که مورا فاسد میکند) مالکین جزء انقلاب نموده پیچوجه حاضر از برای شنیدن یا اعمال تجربیات علمی نبودند و جدا در مقابل جلوگیری و دفع آفت مخالفت میور زدند.

از ازمونه قدیمه تا بحال همیشه اراضی زراعتی بین دوطبقه متباین تقسیم میشده است: یک طبقه ملاکین یعنی صاحبان اراضی وسیعه و دیگر مالکین جزء یعنی کسانیکه از قطعات کوچک زمین با کد یمین و عرق جبین معیشت خود را اداره کرده و میکنند.

ملاکین قدیم با ملاکهای جدید اروپا و امریکا خیلی تفاوت دارند.

ملاکان قدیم اشراف و نجباء و صاحبان امتیازات بوده املاک خود را از راه قوه و زور تحصیل کرده بودند ولی ملاکین جدید اشراف نیستند امتیازاتی ندارند و املاک خود را بوسیله اقتدار تهیه نمیکنند.

موضوع املاک وسیعه (۲) و املاک جزء از مباحث علمی و قابل توجه و از برای ما بی فایده نیست.

هریک از این دونوع تملک دارای فواید جدا گانه است که ذیلا شرح میدهم: املاک وسیعه اروپا بین دوطبقه از ملاکین قسمت میشود یک طبقه ملاکهای متمول که شغلشان منحصر بفلاح و دارای افکار روشن و مغز باز و اطلاعات علمی میباشند. طبقه دیگر صنعتگران و تجاریکه از راه صنعت و تجارت نمودن زیادی بدست آورده و از برای داشتن ثروت محکم و مطمئن متدرجا املاکی خریده دارای املاک زیاد شده اند.

این طبقه اخیر که غالب از اشخاص جلو رفته در سن تشکیل یافته بواسطه عادت بدقت و دفتر داری و حس جسارت و تهور و اعمال تجارب و امتحانات و ذوق استعمالات علمی در حقیقت محرك چرخ ترقی فلاح هستند و انرا پیش میرانند. پس مهمترین فائده ملاکین جدید همین برتری علمی و دماغی است که آنها را محور

(۱) قسمت عمده این مقاله مأخوذ از کتاب ثروت (لروا بلیو) است.

(۲) فرض از املاک وسیعه اراضی وسیعه متعلق بده محدود است.

گذشته از اینکه ملاکین جدید و مخصوصاً ملاکین صنعتگر آلات و قواعد جدید در فلاح بکار میبرند و در مقابل آفات چاره جوئی میکنند و علاج پیدا مینمایند اراضی فقیر کم حاصل را هم قابل استفاده میکنند چنانکه موسیو هواس مدت سی سال در طارن یکی از نقاط فرانسه زحمت کشید و محصولات فلاحی یک زمین وسیع کوهستانی کم حاصل را بیشتر کرد. جنگلها را اصلاح کرد گوسفندان را مبدل بگاو نمود چمنهارا نظیف کرد و سدها و بناها ساخت خلاصه باندازه ۳۰۰ هزار فرانک خرج کرد و یک نفع ۶ در صد حاصل نمود. این فوائد ملاکین بود که ذکر کردیم ولی ملاکین ما از شنیدن این محسنات نباید بر خود بیالند و خویشان را از آن طبقه محسوب دارند زیرا لرد ملاک انگلیسی خود در مزرعه ایستاده دستور میدهد و ملاک ایرانی در بستر راحتی و تنبلی غنوده است. ملاکین اروپا عالم و هنر مندند بمملکت خود خدمات ثروتی و اقتصادی مینمایند و ملاکهای ایرانی اکثر جاهل و محترکند. بلی اگر یک محرک الکتریک یا یک قوه خارجی انها را تحریک و بیدار نموده و ادار بتقلید همقطاران اروپائی خود نماید فوائد بسیار عظیمی در ثروت مملکت حاصل میشود و این ذلت و مسکنت مادی ازین مردم مرتفع میگردد. حال همانطوریکه امتیازات ملاکین را ذکر نمودیم محسنات مالکین جزء را هم گوشزد کنیم:

یک خرده مالک که زمین خود را شخصاً زراعت میکند با کمال حرارت و جدیت آنچه ممکن است و میتواند از قطعات کوچک اراضی خود محصول بر میدارد و به نسبت وسعت زمین از ملاک بیشتر فائده میبرد. دلیل آن این است که ملک مالک رعیت خود را مشغول میکند و تمام خیالات و توجهات و مراقبتهای او را بخود جلب مینماید و بقول میشله رعیت مالک یک نوع پرسشگری بزمین خود میکنند و از نوازش و تزیین و پیرایش آن خسته نمیشود در اینجا آرتور نویک یک عبارت خیلی قشنگی دارد: مالکیت تخته سنگ برهنه را بر رعیت تامین نما پس از مدتی از آن باغی

خواهد ساخت ولی باغی را ۹ ساله باو اجاره ده صحراش خواهد کرد.

این است که مدت کار روزانه چنین زارعی از ۸ و ۹ ساعت کمتر نمیشود و تمام افراد خانواده از کوچک و بزرگ هر یک وظیفه دارند و در کار شرکت میکنند. این کار کردن تمام خانواده از عیال و اطفال خیلی متناسب با طبیعت انسان و خانواده است و یکی از قشنگ ترین جنبه های مالکیت کوچک را تشکیل میدهد. بهمین علل است که این طبقه از زارعین میتوانند کوهستان مجرد را متبديل به بستان. و زمین سر اشپ را صاف و هموار و قابل زرع نمایند و در حقیقت معجزه میکنند.

ولی باید دانست که این معجزات از یک کار مساوی با کار ملاک ظهور نمیکند بلکه نتیجه زحمات بمتنها درجه شدید تر و مدید تر است و این زحمت و تعب فوق العاده کم کم از میان رعایای اروپا بواسطه مجاورت با اهالی شهرها بر طرف میشود زیرا در اذهان عامه اهالی اروپا چنین جایگیر شده است که کار اسارت است و حتی المقدور بایستی از مقدار آن کاست.

بدین علت از نقطه نظر اقتصادی بمالکینهای جزء چندان اهمیتی داده نمیشود ولی از وجهه اخلاق ملی خیلی اهمیت دارد:

ملتی که مالکین جزء بسیار دارد بر روی هم زحمت کش تر دور اندیش تر و محفوظ تر از معایب و مفساد است. چنین ملت از افراط در شهوت و مسکرات دوری میکند و سالم میماند.

از مذکورات فوق چنین نتیجه میگیریم که صرفه دار ترین حالات از برای یک مملکت اختلاط دو نوع مالکیت است. از وجود ملاکین فلاح مملکت رو ترقی و تجدد میروود و از مالکین جزء اخلاق ملی سالم و محفوظ میماند.

علی تجریشی

ناظم و معلم دبستان برزگران کرج

آبیاری و رامین

- ۲ -

طرق استفاده از آب رودخانه - ترتیب تقسیم آب جا جرود - حق آبه - مالکیت مباحثین رودخانه - سخت گیریهای آنها بر رعایا - تنزل عایدات رودخانه - مضار گران فروش، آب جا جرود - فواید ایجاد دوسه حوض مقسم -

و رجحانی بر اربابی و رعیتی نباید داشته باشند . ولی از پنج شش سال قبل یعنی از وقتی که مباشرت رودخانه جاجرود اداره شده صورت کار بالمره تغییر کرده اداره مباشرت رودخانه جاجرود بر حسب حکم اداره خالصجات خود را مالک رودخانه تصور نموده از یکطرف بعنوانات مختلفه عوارض زیاد باسم حق الشرب و میرابی و رئیس و بوته و تراش برای نهر سازی و دهنه بندی و غیره بر صاحبان نهر ها بسته شده و از طرف دیگر برای ابهای بهاره که بواسطه وفورش در سابق تقریباً مجانی و بلا عوض بوده و هر کسی هم که دارای نهر دائمی نبود میتوانست همسایه خود را راضی کرده از نهر او آب برای مشروب کردن اراضی خود ببرد از روی سنک و پیمانانه قیمت کسزاف معین شده است و ازین دو موضوع گذشته مسئله ربیع کاری است که هر کس از آب رودخانه زراعتی بکنند بکریج از کل محصول را باید بمباشرت رودخانه تسلیم نماید نصف از کل هم که سهم رعیت است در صورتیکه بذر و تقاوی هم بر عهدۀ مالک است مگر بکریج از کل محصول که برای مالک باقی میماند چه مقدار میشود که او را بطمع انداخته برای استفاده از آن بکریج مقدار زیادی بذر و تقاویرا بمخاطره نیامد حاصل یا نرسیدن آب که اغلیت دارد بیندازد و از همه بالاتر آب فروشی دهاترا یکدیگر و او از آب قنات خود هم باشد قدغن کرده اند و هرگاه دهی از آب رودخانه یا قنات زیاد بر مصرف خود داشته باشد نمیتواند بهمسایه خود بفروشد یا مجانی بدهد بلکه باید آب خود را هرز کند تا همسایه او نتواند از

استفاده از هر رودخانه برای اراضی حول و حوش آن تا هر جا که برود از مسائل طبیعی و شرعاً هم هر کس اراضی خود را بتوسط حفر نهر برود خانه متصل نماید در صورتیکه مزاحم سابقین نباشد می تواند مجاناً از آن رود استفاده نماید چه رودخانه بکسی متعلق نبوده استفاده از آن مجانی و عمومی است معذک برای آنکه بین اشخاصیکه خیال استفاده از رودخانه را دارند نزاعی واقع نشود و بر یکدیگر تعدی نموده اشخاص جدید مانع استفاده سابقین شوند باید این استفاده در تحت نظر دولت باشد و همچنین برای آنکه در تقسیم آب بین اشخاصیکه حق استفاده دارند منازعه واقع نگردد میراب دولتی باید آبر را مطابق حق آبه بین آنها تقسیم نماید و نیز مسلم است که بعنوان میرابی باید هر یک از مالکین بقدر سهمیکه از آب میبرند چیزی بدهند که مخارج اداری و حق الزحمه میراب بدوات تحمیل نشود بهمین مناسبت است که دولت هم هر استفاده تازه را از رود جاجرود منوط با اجازه خود کرده و تقسیم آبر را بین مالکین بتوسط اداره مباشرت رودخانه مقرر داشته و حق میرابی هم از نهر هائیکه مطابق این قاعده کلی و عملی که سابقاً دولت در این رودخانه میکرده و امروز هم در سایر رودخانه های این مملکت مجری است دولت مالک رودخانه نیست پس حقیکه از این رودخانه دریافت میدارد باید بعنوان حق میرابی باشد نه قیمت آب و نیز تفاوتی هم در بردن آب بین خالصه و اربابی نباید منظور شود بلکه هر دهی اعم از خالصه یا اربابی حق آبه معین شخصی خود را برده دهات خالصه تفضیل

رسانده نماندند يك جرعه ان بمسيله برود تا هم اراضی آباد شود وهم از زراعت زیاد عموم مردم استفاده کنند نه اینکه آرا بقیمت گزاف به قیرات بفروشند که مردم از مخصصه هائیکه از بردن این آب بر ایشان تولید میشود و خسارانیکه میکشند از اصل زراعت هم صرف نظر نمایند هرگاه چند سال دیگر بهمین وطیره پیش برود یعنی همانطور که در این سنوات مردم بواسطه همین گران فروشی ها و شق کمائی ها از بردن آب و زراعت صرف نظر کرده اند در آتی هم کار بهمین منوال باشد قطعا تفاوت کلی در حاصل خیزی اراضی و رامین و زیادای آب قنوات آن بلوک حاصل خواهد شد زیرا آبی که باید زمین رفته قوه نامیه برای حاصل و مایه آبی برای قنوات باین دست تحصیل کنند در بستر نهر افتاده بدون این که کسی از آن استفاده نماید یکسر بمسيله میرود .

بنا بر این تجدید نظر در عوارض رودخانه و میزان قیمت آب فروشی و اصلاحی در موضوع ربع کاری بطوری که این آب دست رس همه بشود و در همه جا بدون زحمت بتوانند از این رودخانه آب بهاری ببرند یکی از چیزهایی است که دوسه عشر بر حاصل و رامین خواهد افزود زیرا چنانچه در ساقی اشاره شد آب بهاره این رودخانه در سنوات عادی خیلی زیاد است و همینکه زارعین بداندند که در بهار دست رس به این آب دارند در پائیز از قنوات یا از باران هم که باشد استفاده کرده بیشتر از آنچه با آب قنوتی خود میتوانند بکارند خواهند کاشت .

ساختن يك دوسه حوض مستقیم و انداختن سنك های تراشیده (گنگ) باندازه حق آبه هر يك از دهات اعم از خالجه و اربابی با رعایت قرب و بعد و طول نهر نیز موضوعی است که در تنظیم آبیاری دهات و از این رودر بذر کاری و پروراندن حاصل مداخله دارد زیرا امروز بعلت خواطر خواهی بغرض رانی رئیس و میراب یا بواسطه طول امتداد نهر که تر دهی است که مالک آن بتواند از استفاده حق آبه خود مطمئن باشد و بهمین جهت از تدارك بذر کاری غفلت کرده و فرض هم که اسباب این کار برایش فراهم باشد بواسطه عدم اعتماد به اب

آن استفاده نکرده برای مشروب کر دن زراعت خود مجبور شود از رودخانه بقیمت گزاف آب بخرد .

قاعده ارزان فروشی و زیاد فروشی یکی از قواعد مسلمه ثروت است که صنعتگران و تجار در همه جای عالم این رویه را اتخاذ کرده اند در حقیقه صد قرانی که از صد ذرع پارچه عاید تاجر یا بافنده آن شود باده تومان که از مصرف شدن ده ذرع از همان پارچه عاید کرد تقا وتی ندارد جز آنکه در ساختن و فروختن صد ذرع دوران ثروت که مستلزم بار افتادن دستهای مختلف و نان خور دن مردم است زیاد تر از ده ذرع میباشد . در این مورد چون اصل مایه آب رودخانه چیزی است که اگر از آن استفاده نشود بمسيله و هدر خواهد رفت باید ولو مجانی هم باشد مردم را بزراعت و استفاده از آن ترغیب کرد تا این نعمت الهی عبث بهدر نرفته مردم از آن فایده ببرند نه اینکه قیمت آنرا بقدری بالا ببرند و بحدی از دست رس مردم دور نمایند که زارعین یا قوه استفاده یا دماغ تحمل در دسرهای حاصله از آنرا نکرده از اصل زراعت صرف نظر نمایند .

منکر این نکته نمیتوان شد که عایدات رودخانه از همسایه همین گران فروشی و شق کمائی ها از پنج شش هزار تومان در سال اول به سی و شش هزار تومان در سنوات بعد به بیست و دوسه هزار تومان تجاوز کرده است ولی هرگاه مخارج اداره مباحث و ده پانزده نفر قزاقی که هم از دولت مواجب میکبرند و هم بر مباشرین و رعابای دهات تحمیل می شوند بر آورد شود ملاحظه خواهد شد که دخل خالص رودخانه در مقابل ضررهای ثروتی عمومی که از این طرز اداره بر مردم و دولت وارد میاید هیچ است چه اولاً معلوم نیست که اگر آرا از زاتر کنند از زیادای مشتری و خریدار که قهرا پیدا خواهد شد همین عمل حالیه عاید نشود .

ثاباً بر فرض اینکه انقدرها هم عمل نکنند قاعده ثروتی عقلی چنین اقتضا دارد که از این عایدی جزئی چشم به پوشند ولو مجانی هم هست تمام رودخانه را بمصرف

رود آبی خود همیشه از میزان معمولی کمتر می‌کارد ولی در صورتیکه بواسطه گنگ و حوض مستقیم و رعایت امتداد نهر از آمدن آب مطمئن شده و یقین بداند غرض فلان رئیس یا فلان میراب زراعت او را نخواهد خشکانید افلا بقدر همان آب زراعت میکند و از حق آبه خود بقدر لزوم استفاده مینماید .
این است اصلاحاتی که عقیده بنده تقریباً بدون خرج

وزحمت زیاد دوسه عشر بر حاصل ورامین خواهد افزود . اما پیدا کردن آب تاستانی برای کلیه دهات ورامین که مسلماً بابتن دوسه یکی در محل موسوم به دروازه و دیگری در دهنه رودخانه خوبی صورت میگیرد با اینکه قسمتی از مقدمات آن در اینجا ذکر شده است موضوع مقاله علیحده خواهد بود .

عبد الله مگرگانی،
رئیس هیئت ممیزی اہل طہران

صنایع و معادن

اهمیت استخراج معادن ایران

لزوم استفاده از منابع طبیعی - فلاح و تجارت ، استخراج معادن - اهمیت معادن بنظر اقتصادی - وفور معادن ایران - عدم استفاده از این مسئله از بدیهیات اولیه است که اداره نمودن زندگانی و حفظ بقا هر فرد و یا جمعیتی موقوف فرام نمودن وسائلی است که بانواسطه بتواند رفع احتیاجات خود را نموده مرفه الحال زیست نماید و نیز این مطلب به ثبوت رسیده است که بهترین وسائل استفاده از منابع طبیعی هر مملکت و یا تعویض آنها بممالک خارجی خواهد بود بمباراة اخری و بطور ساده میتوان گفت که استفاده از مزبور عبارت است از عمل فلاح و استخراج معادن و بالاخره تجارت . متأسفانه مردم این مملکت وسائل اسباب خودشانرا از طرق سه گانه مزبور بطرقی میجویند که در پیشگاه هیچ محکمه وجدانی پسندیده بلکه قابل ملاحظه نیست چنانچه دسته که داخل امر فلاح اند بعوض آنکه طریق اتخاذ نمایند که باعث ازدیاد محصول و ترقی ملک گردد سعی در فلاکت فلاح بیچاره و ترقی قیمت اجناس مینمایند دسته دیگر که طالب استخراج معادنند بعوض آنکه شرکتها تاسیس نموده و بجدیت مشغول عملیات کردند بد به ختانه پس از بدست آوردن امتیازی علاوه بر آنکه خود استفاده قابلی نمی نمایند مانع استفاده دیگران نیز میگرددند و همچنین جماعتی

که میخواهند از راه تجارت استفاده نموده آتیه خود را تامین نمایند چیزی آنکه مازاد امتعه مملکت خود را بمملکت خارج حمل و ترویج نموده و در عوض متاعی که محتاج الیه اهالی مملکت خویش دانند حمل کرده و از روی انصاف بمعرض بیع و شری گذارند کوشش دارند که امتعه داخلی و خارجی مملکت خود را بطور سلم خریداری نموده احتکار نمایند و یا امتعه فاسد بمملکت حمل نموده و هر کدام را بموقع شدت به اهالی بیچاره باضاف مضاعف بفروشند آیا این سوء استفاده از چه چیزی ناشی شده و به چه چیزی میتوان حمل کرد ؟ بطور کلی این سوء استفاده را میتوان از بی اطلاعی و عدم بصیرت که ناشی از عدم تکمیل تحصیلات کشته دانست و محققاً تا زمانیکه بسط کامل در معارف این مملکت داده نشود یعنی تا موقعیکه وسائل تحصیل اجبای برای عموم فراهم نشده است دائماً مبتلای این سوء استفاده آن خواهیم بود . بالجمله مقصودی که ما را مجبور به نوشتن این مقاله نموده است همانا طریق ثانی از استفاده از معادن است که عبارت از استخراج معادن هر مملکت است که خداوند متعال قبل از ایجاد نوع بشر برای رفع

بخت بهر وسیله که ممکن دانند جمعی را با خود هم عقیده نموده و شرکتهای تشکیل دهند و برخلاف وطیره حالیه وجوه سرمایه خودشانرا بمصرف تحصیل وسایل زراعتی حالیه که بانواسطه بتواند اسباب ازدیاد محصول مملکت را فراهم نماید و یا بمصرف استخراج معادنیکه بیشتر طرف احتیاج عامه است برسانند تا بحقیقت ومعنی اصلی کیمیاگری پی برند که چگونه باک نخود کیمیا چندین خروار مس را زر کنند و همچنین از سر آبه وافیه هدیه مطلع گردند که میفرماید (فی کل جبهه سبع سنابل و فی کل سنبله مائه جبهه) خصوصا در اینموقع که وزارت فلاح و تجارت وفواید عامه باجدیتی قابل تقدیر مشغول اقدامات اساسی اینوزارتخانه است و تا اندازه موفقیت هم حاصل نموده بصدای رسا عموم مردم را باین خوان عظمی دعوت مینمایند پس برای کار نمودن مقتضی موجود و مانع هم موقوف است درخاتمه این نکته را هم لازم است متذکر گردد که گمان اینکه این قبیل کارها بعهده دولت است و چگونه رعیت میتواند ازعهده چنین عملیاتی برآید گمانی است موهوم ویهوده و گمان مزبور هم که مانع عملیات افراد کشته باز ناشی از عدم اطلاع است زیرا که نمیدانند هیچ دولتی خود به تنهایی مبادرت در استخراج معادن و تسطیح راهها و امتداد راه آهن و ایجاد سد و بنای عمومی ننموده مگر باستغانت و همراهی عموم که باشرکتهای مختلفه مملکتی یا خود مثل سایرین سهمی قبول نموده و یا مستقیما عمل را به خود آنها در تحت قرار دادی واگذار مینماید پس بنا براین اقدام باین قبیل امور خیریه تاسیس شرکت صورت خارجی پیدا نخواهد کرد ره چنین است مرد باش و برو.

و نیز برای استحضار عموم صورت معادنیکه از تاریخ یونتیل ۱۲۸۵ هجری شمسی باچاره رفته و همچنین صورت معادن منکشفه که باچاره رفته است در شماره های بعد این مجله هر یک بنوبه خود مندرج خواهیم داشت تاچه قبول افتد و چه در نظر آید.

حسین مهندس معادن

احتیاجات و ثروت آنها پس از خلقت درعالم طبیعت موجود نموده تا در موقع هر دسته و جمعیتی بفراخور استعداد جیلی خودشان از این موهبت عظمی بهره ور گردند و خدا داناست که چه کنوز بدیده و چه ذخایر عظیمه در بطن این کره اثیر بودیت گذاشته که قلم از تحریرش عاجز است ولی نظر بحکمت باله الهی این ودایع مهمه غالباً نصیب انماهای کاملی میکرد که در روی کره زمین متفرق و هر دسته و گروهی بنام و صفی مشهور گشته اند و نیز علت و حکمت بنهانی کنوز و ذخایر مزبور را ممکن است باین قسم تعبیر نمود که آنها به رایگان بدست هر فاکسی نیفتد که به آسانی از دست دهند بلکه اشخاصی قابل و لابق استخراج آنها خواهند بود که بتوانند هم خود استفاده نموده و هم رفع احتیاجات دیگران را بنماید خلاصه از جمله سرزمینی که از حیث این منبع ثروت یعنی معادن اگر بر سر زمینهای دیگر رجحان و مزیت نداشته باشد محققاً در ردیف اول محسوب خواهد بود همین مملکت ما ایران است بلی همین مملکت ما ایران است که از این جهت و از سایر جهات بالنسبه بسایر قطعات روی زمین بر تری و رجحان دارد ولی افسوس که اهالی این مملکت سابقاً بواسطه نواقص علم معدن شناسی و حالیه بواسطه دوری از تعلیم و تعلم این علم شریف و سایر علوم تا بحال نتوانسته اند بطوریکه شاید و باید استفاده معادن این سرزمین را بنمایند واقعا خیلی تعجب است که این جمعیت با داشتن معادن متعدده نطف شمالا و جنوباً صرف نظر کرده و برای رفع احتیاج خود از ظلمت شب نطف از خارج مملکت داخل نمایند یا آنکه برای طبیح مواد غذائیه خودشان مس از خارچه بخرند در صورتیکه چندین هزار برابر مابحتیاج خودشان معادن مس در مملکت موجود دارند و همچنین سایر فلزات حتی نمک طعام و غیره و غیره آنچه خود داشت زیبگانه نمنا میکرد

پس بر هر فردی از افراد این آب و خاک یعنی ایرانی خصوصاً بر سرمایه داران فرض ذمت است که هم برای ازدیاد ثروت خود و هم برای رفع عسرت هموطنان بد

— کار —

احتیاج و رفع احتیاج — کارهای دماغی و بدنی — بهترین اقسام کارها — کیفیات بدنی —
کیفیات عقلانی — امور اجتماعی — کار در ایران — احصایه اشخاص بیکار مملکت —

انسان لازم است همیشه نماید لزوم را احتیاج و رفع احتیاج را کار گویند. پس هر عملی که مستقیماً یا غیر مستقیم رافع احتیاج باشد چنین عملی را کار گویند.

انسان دارای دو جنبه روحانی و اجتماعی است و برای آنکه نتیجه مطلوبه حاصل شود روح و جسم کمال احتیاج را یکدیگر دارند. مثلاً اگر کسی فقط عضلات خود را بدون منظور حرکت داده و قوای جسمانی خود را بکار اندازد آیا این عمل را کار گوئیم؟ خیر برای آنکه از این عمل بهیچوجه نتیجه بدست نیامده و رفع احتیاجی نشده است چنانکه اگر انسان فیلسوف و دانشمندی مدتی خیال کرده بدون آنکه فکر خود را بموقع اجرا گذارد ما آنرا کار نخواهیم پس نتیجه آنکه هر وقت قوای جسمانی و روحانی متحداً باهم کار کردند باید آنرا کار گفت متنبی اگر عملی جنبه روحانی و عقلانی زیاد تر باشد مانند نوشتن کتاب که قسمت عمده زحمت متوجه کلام است آنرا کار عقلانی و اگر جنبه جسمانی زیادتر باشد مانند زراعت کردن آنرا کار بدنی گوئیم.

اگر ظاهراً نگاه کنیم میبینیم اهمیت کارهای جسمانی زیادتر از عقلانی است مثلاً زراعت میبکنیم نان مییزیم کفش میدوزیم نجاری میکنیم و قس علیهذا چون مورد رفع احتیاج اعمال بدنی و بدنی است پس کارهای جسمانی بر کارهای عقلانی رجحان دارد ولی خوب که دقت کنیم می بینیم اینطور نیست کسیکه در نتیجه فکرهای زیاد اگر چه در سایه درختی هم نشسته باشد صنعت زراعت را اختراع کرده بیشتر کار کرده است تا کسی که سه ماه در تابستان برای بدست آوردن گندم زحمت می کشد و همچنین کسی که معدن شناسی را پیدا کرده بیشتر کار نموده تا کسی که معدن را کشف کرده و در آنجا

زحمت میکشد همینطور هم دکتري كه در كوشه لابراتوار خود نشسته سرم فلان مرض را پیدا میکند بیشتر کار کرده است تا کسی که در میان قشون و حملات امراض نوع انسان را بوسیله همان سرم معالجه مینماید زیرا اعمال آنها منحصر بدائرة همین عملیات آنی خودشان است در صورتیکه زحمات مخترعین و کاشفین و رای توسعه زمانی و مکانی است یعنی بهمه جا این اختراع منتشر شده و در همه اوقات بموقع اجرا گذارده میشود پس در این قرار میبینیم، کارهای بدنی عموماً نتایجشان مستقیماً عاید انسان می شود یعنی رفع احتیاج میکنند در صورتیکه کارهای عقلانی بطور عموم من غیر مستقیم رفع حوائج مینمایند.

چنانکه دیدیم کار رافع مانع است برای رسیدن بمقصود بهترین کارها زود تر و بهتر بمقصود رسیدن است حال برای آنکه کار دارای این جنبه (زودتر و بهتر) باشد محتاج بشرائطی است که آن شرایط یا راجع بشخص انسان است و یا بحوزه که انسان در آن زندگانی مینماید:

اول — شرایط راجعه بانسان عبارت است از کیفیات بدنی و عقلانی و اخلاقی بشرح ذیل:

۱ — کیفیات بدنی — کیفیات جسمانی نه فقط از نقطه نظر مادی در کار مدخلیت دارد یعنی آدم ناخوش و ضعیف المزاج از کار کردن عاجز است بلکه در کیفیات عقلانی و اخلاقی هم بی نهایت مؤثر است زیرا فی الواقع روح خوب در بدن خوب است یعنی برای آنکه روح را خوب نگاه داری کنیم لازم است بدن خود را که ظرف روح است بخوبی حفاظت نماییم و همچنین مردمان ضعیف المزاج ضعیف النفس میشوند و از داشتن روح اخلاقی که اراده است محروم هستند

پس نباید اشتباه کرد و سلامت مزاج اهمیت نداد! اگر سلامت مزاج از جهت اینکه در کار اثر مستقیم دارد من غیر مستقیم هم از نقطه نظر روحانی و هم اخلاقی کمال اهمیت را دارد بعلاوه در اعمال بدی زور و قوت لازم است و آدم بی زور از اجراء اغلب کارهای جسمانی محروم خواهد بود و نتیجه آنکه آدم ضعیف المزاج و علیل در کارها کمتر مهارت که نتیجه مستقیم اعمال بدی است پیدا خواهد کرد.

۲ - کیفیات عقلانی - چون مقصود ما در

اینجا psychologie پسی کلوزی (معرفت الروح) نیست بنا بر این از تعریف عقل و قوای عقلانی صرف نظر کرده کوئیم کسی که قوای عقلانیش خوب باشد در کار تصرف پیدا میکند و بر حسب مقتضیات زمانی و مکانی اعمال خود را تغییر و تبدیل داده و نتیجه منظوره را که زودتر و بهتر بمقصود رسیدن است بخوبی بدست میآورد خوشبختانه اگر قوای بدنی محدود است و ترقی آن اندازه دارد ترقیات قوای عقلانی زیاد است و برای آن حدی متصور نیست و روز بروز بر تصرفات آدم عاقل افزوده شده و بالاخره کار را که بایستی بدست انسان بازحمات زیاد اداره شود بتوسط ماشین درست میکنند باید بدانیم که مهارت ممکن است تصرف نداشته باشد ولی کسی که داشت حتما دارای مهارت خواهد بود مثلا نقش دوزی که دارای دوشاگرد ماهر است یکی ممکن است تصرف نداشته و حد عملیات خود را همان قرار میدهد که استاد باو تعلیم کرده است ولی شاگرد ماهر که تصرفات دارد بعبارة اخیری قوای عقلانیش ترقیح دارد بواسطه تصرفات بر حسب مقتضیات زمانی و مکانی صنعت را تغییر داده و ترقی میدهد.

۳ - کیفیات اخلاقی - مهم ترین چیزی که در

شرایط راجعه بانسان بکار مدخلیت دارد کیفیات اخلاقی است و این حیثیات هم حاصل نمیشود مگر بحس احتیاج. بعبارة اخیری تا انسان اراده ننماید کار نخواهد کرد و تا حس رفع احتیاج را ننماید اراده نخواهد داشت اگر حس ناکم احتیاج تمیز بودن معایر طهران را کوچک

هاتمیز نخواهند شد اگر حس ناکم احتیاج بهدالت را اراده رفع ظلم نخواهیم نمود اگر حس ناکم احتیاج اشاعه علم را اراده نشر علم نخواهیم کرد بعبارة اخیری وقوع هر چیزی در عالم فرع حس احتیاج است همانقدر که حس احتیاج آمد دنبال او اراده پس از آن وصول بمقصود خواهد بود این حس احتیاج فقط در گذشته و حال کافی نیست باید آتیه را هم دیده و مال اندیش بود انسان هر قدر بیشتر مال اندیش شد بیشتر بلاشوق و ذوق کار خواهد کرد بنابراین برای داشتن اراده حس احتیاج و تعقل و مال اندیشی لازم است و برای آنکه کار بخوبی اداره شود حس انصاف و درستی و شرافت و وجدان و انجام وظیفه کمال اهمیت را دارد زیرا اگر مقصود کار گران فقط رفع معیشت باشد حس انصاف و شرافت و انجام وظیفه و غیره نباشد آن کار معیوب است چنانکه در حین ساختن میله آهن فلان بل در وقت زدن چکش شکافی باز شود اگر آهنگر حس انجام وظیفه نداشته باشد با کمال آسودگی صورت رفع شکاف کرده و چندین صد نفر را بموقع خطر انداخته است ولی در صورتیکه حس انجام وظیفه داشته باشد زحمت خود را بر خطر و مشقت دیگران ترجیح داده میله آهن را از سر نو در کوره انداخته در تحت ضربات چکش و سندان مجددا آنرا درست می کند بعلاوه اگر انسان عزم و استقامت نداشته باشد وجودش بی مصرف است و مهارت (بدنی) و تصرف (عقلانی) او بکلی بدون ثمر است پس نتیجه آنکه در شرایط راجعه بانسان کیفیات اخلاقی بیشتر از هر چیزی در کار مؤثر است.

دوم شرایط راجعه بحوزه اجتماعی عبارت است از

مذهب و عادت و دولت بشرح ذیل :

۱ - چنانکه میدانیم ایجاد کلیه مذاهب در عالم برای اداره کردن امور اجتماعی نوع بشر بوده پس بطور کلی مذاهب بقسمی هستند که انسان را دار بکار می نمایند و این مسئله در امور اجتماعی از جهت کار کمال مدخلیت را دارد برای تمیز مسئله میگوئیم قانون اسلام میفرماید پس لانسان الاماسی هستی و نیستی تعالی و

حیث تقسیمات طبقاتی و ممنوع بودن کار مابین مردم منتشر شده بگذشتن ایام از میان بر میدارد بعلاوه آزادبیرا در مملکت برقرار و نتیجه کار را بواسطه وضع قوانین مستقیما عاید کارگران مینماید . بوسیله وضع و ایجاد قوانین استعمال مشروبات و تریاک و کلیه منہیات رافدغن و از این حیث بدن و روح و اخلاق مردمرا حفاظت مینماید . امنیت را برقرار میکنند تا مردم از نتیجه کار خود مطمئن شده و بکار کردن تشویق شوند عدالت را برقرار نموده و از ظلم جلوگیری کرده و مانع از این میشود که کسی بناحق مال دیگر را غصب و تصرف نماید تمام این کیفیت که عامل آنرا دولت قرار دادیم در کار کمال اهمیت را دارد .

کار در ایران - از اینکه اوضاع اقتصادی ایران بی نهایت خراب است هیچ جای حرف نیست ولی باید بدانیم که خرابی آن بواسطه کاراست و با تطبیق اوضاع ایران با مسائل فوق الذکر معایب ذیل را بخوبی معاینه خواهیم کرد :

اولا - مطابق استانیستیک علمی که اخیرا شده چهار خمس جمعیت عالم زن است با وضعیت و عادات مملکتی اگر خیلی در زنان غلو کنیم لااقل نصف زنان ایرانی بیکاره هستند و اگر دو خمس جمعیت ایران را هم بیره مرد و بیره زن و بچه و یک بیستم را هم جوانان بیکار تصور کنیم مطابق صورت ذیل :

$$\frac{2}{5} \text{ بچه و بیره زن و بیره مرد}$$

$$\frac{2}{5} \text{ زنان بیکاره}$$

$$\frac{1}{5} \text{ جوانان بیکاره}$$

$$\frac{2}{5} + \frac{2}{5} + \frac{1}{5} = \frac{5}{5} = 1$$

$$\frac{2}{5} \text{ کارگران} = \frac{17}{5} \text{ بیکاران} - \frac{2}{5} \text{ جمعیت ایران}$$

که جمعیت ایران را بانصد میلیون فرض کنیم ۱۲۷۵۰۰۰۰ نفر بیکاره و فقط ۲۲۵۰۰۰۰ کار کرداریم که هم باید معیشت خود را اداره نمایند و هم متکفل مخارج بقیه جمعیت ایران شوند متا سفانه همین قسمت قلیل هم خیلی کم کار میکنند و آنهم از روی کمال

تدانی هر قوم و هر ملت را فقط منوط سعی و عمل کرده است ولی از طرفی هم بعضی ازهنود نشستن را بهتر از ایستادن خوابیدن را بهتر از نشستن و مردن را بهتر از خوابیدن میدانند و یکی از علل ترقی نکردن هندوستان با آن حالت زرخیزی همین عقبه سخیفه است که هنوز در میان بعضی اقوام ان باقی و باعث بدبختی هندوستان و هندیها شده است پس هر قدر مذهب پیروان خود را بیشتر بکار تشویق نماید در آن حوزه اجتماعی کار بیشتر رواج داشته و دارای اهمیت خواهد بود .

۲ - عادت هم در حوزه اجتماعی بی نهایت مدخلیت دارد چنانکه در بعضی ممالک کار کردن اسباب پستی و بیکار بودن و سبب شرافت و بزرگی است بعلاوه ترتیب طبقاتی و اختصاص شغلی نسل بعد نسل در جمعیت و فامیل مخصوصی و محروم کردن قسمتی از جمعیت مملکترا از کار از بزرگترین بدبختیهای آن مملکت خواهد بود برای آنکه کار در مملکتی رواج باید یابد کلیه عادات و رسومات قدیمه را که مانع رواج و اشاعه کار است از میان برداشته و این خیالات را بمرور دهور از گاه مردم خارج کرد .

۳ - مهترین عاملی که در حوزه اجتماعی برای کار مؤثر است وضع اداره کردن درست است امور مملکتی را . دولت در کیفیات بدنی و عقلانی و روحانی و عادات کمال اهمیت را دارد زیرا بوسیله برقرار کردن حفظ الصحه عمومی نوع را محافظت و جوانان را که موقع کار کردن است نگاهداری مینماید و بوسیله نشر معارف روح را تربیت و عقل را زیاد میکند بعلاوه انسان زمینی است که دولت باید حس احتیاج را بوسیله تعلیم و نشر معارف در آن کاشته و ضمنا از اعمالی که ناشی از اخلاق رذیله است جلوگیری کرده و بتوسط تشویق اراده و عزم و استقامت و منانت و صحت عمل و درستی و انصاف و وجدان و انجام وظیفه را در آنها تزیین می نماید . بدکاران را اجزاء خوبان را باداش خیر میدهد خادمین را ترقی و خائسین را تنزل داده علاوه رجحان درستی را ثابت می کند عادات رذیله را که بمرور ایام از

فقط بواسطه نداشتن سرمایه است و الا بامر تجارت میسر داخند .
 سابقا - عدم احساسات که ناشی از عدم تعلیمات است . عزم نداریم اراده استقامت متانت درستی انصاف حس وظیفه نداریم اطلاعات نداریم تا بحال مدرسه زراعتی و صنعتی و تجارونی نداشته ایم و زارعین و صنعتگران و تجار ما از روی کمال بی بصیرتی کار میکنند اسباب و آلات زراعتی ما هنوز تغییر نکرده و مطابق اسلوب چندین صدسال قبل میباشد متاسفانه حس زحمت و لزوم تغییر آنرا هم نداریم والا برحسب مقتضیات مملکتی لا اقل در امر زراعت که یگانه وسیله ترقی ایران است آلات و اسباب فلاحی خود را تکمیل مینمودیم .

نامنا - بالاترین معایب این است که دولت را منبع عایدات و ثروت میدانیم بهمین جهت کلیه ایرانیان تحصیلات را برای استخدام دولتی مینما بند و مسئله *Fonctionnarisme* (استخدام دولتی) بجای رسیده که ابواب ترقی زراعت و صنعت و تجارت را بروی ایران بسته و هیچ کس بکار دیگری میل نمی کند و این هم طبیعی است که تقبل مستخدمین دولتی حادی دارد و دولت تا یکمقداری معین میتواند علاوه بر حد لزوم اشخاص قبول کند اگر چند سال بدین منوال بگذرد معلوم نیست انوقت حال مردم چه خواهد بود و افسوس اینجاست که ما ایرانیان این عیب بزرگ را که تولید بد بختی ها برای ما خواهد کرد حس نکرده ایم تا درصدد علاج آن برائیم نتیجه آنکه اگر اقدامات و دخالت دولت را در امور ثروتی جائز نمیدانیم جلوی گیری از معایب مذکور را فقط بر عهده دولت دانسته و اقدامات در این امور را بی نهایت لازم میدانیم .

محمد علی مجد

متصدی مرموزات کابینه هیئت وزراء عظام

بی بصیرتی است .
 نائبا - مادر ایران پیش بین و مال اندیش نیستیم مثلا تاجری که ایجاد تجارتخانه مینماید کمتر از روی مال اندیشی کار میکند بهمین جهت پس از مدت قلیلی مال جمعی از میان رفته و خودش هم ورشکست می شود .

نائبا - امنیت در مملکت ما کمتر حکمفرما بوده تاجری که مال التجاره خود را از شیراز حمل بطهران می نماید ایدا اطمینان ندارد که مالش بسلامتی وارد طهران خواهد شد بنا بر این تابای اجبار در میان نباشد حمل نخواهند کرد یعنی از روی رواج تجارت کار نمیکند آن مقداری هم که حمل مینماید از روی اجبار و تاجری است که بلیغ انشاء الله بمرکز رسیده بوسیله دخلی که ممکن است حاصل نماید همیشه خود را اداره نماید .

رابعا - اگر قرضا مملکت را هم امن تصور کنیم بواسطه نداشتن عدالت که مکمل امنیت است کار گران ما ایدا از روی شوق کار نمیکند زارع و صنعتگر و تاجر اگر محصول و مال التجاره آنها در عرض راه دستخوش سارقین نشد بواسطه نبودن عدالت حتما نصیب دیگران خواهد شد .

خامسا - وجود بعضی عقاید سخیفه ، هنوز ایرانیان کار کردن را پست میدانند بدلیل آنکه هیچ بزرگ زاده و عالم زاده تا امروز متصدی امر فلاحی و تجارنی و صنعتی نشده است اشتباه نکنیم اینکه میگوئیم مقصود اختیاری است نه اجباری هیچ بزرگ زاده از روی اختیار تا بحال بامورات ثلاثه فوق نپرداخته و اگر دیده شده از روی اجبار و برحسب احتیاج معیشتی بوده است .

سادسا - نداشتن سرمایه . این همه دلالت آنکه در بازار های ایران می بینیم وعده آنها یش از تجار است

خسارتی به صنعت قالی بافی ایران

خبری از مجرای سفارت امریکا بطهران رسیده که ممکن است نتایج آن برای صنعت قالی بافی ایران وخیم باشد :

ورود اشیاء زینتی - و تجملی که از آن جمله قالی، ایران بشمار می آید در داخله دول متحده امریکا غدقن شده است .

تجارت داخلی قالی در دول متحده امریکا مهم می باشد بیم آن است که از میان برود .

۵) صنعت رنگهای مصنوعی شیمیائی (Sinthétique) که در جمله ساختن مشتقات آلزارین و آنتراکینون Anthraquinone است و جدیداً برای مقابله و رقابت با صنعت شیمیائی آلمان تاسیس شده مخصوصاً راجع به صنعت قالی بافی، ایران میباشد .

اینک نتایجی را که از قدغن موقتی ورود قالی حاصل صنعت قالی بافی ایران خواهد شد ذکر مینمائیم ، اجری اقدام مزبور فوراً اثرات ذیل را خواهد داشت :

۱) تعطیل موقتی کارخانجات محلی که باعث انهدام کامل چندین ناحیه صنعتی گشته و شاید تجدید ونمو دوباره این صنعت را مانع شود .

۲) تعطیل موقتی صنعت قالی بافی باعث فراموش گشتن طریقه های قدیمی در انتخاب و اصلاح بشم - پرورش کوسفند - ریسمان بافی - رشتن و زراعت نباتات رنگی (که زراعت های دیگر و مخصوصاً زراعت خشخاش جای انرا خواهد گرفت) خواهد شد .

۳) برنک آمیزی مخصوصاً ضرر عمده وارد میاید . طریقه های قدیمی که اساس آنها استعمال مواد نباتاتی از قبیل : رئاس - اسپرک نیل طبیعی ، که بکلی برای حفظ صورت ظاهر قالی ایران لازم است . فراموشی شده و ممد انتشار زیان اور رنگهای اینلین خواهد گشت .

۴) تعطیل موقتی صنعت قالی بافی بسرعت باعث تعطیل تجارت بشم و از هم ریختن وسایل مخصوصه حمل و نقل (کاروانهای جنوب) خواهد شد .

صنعت قالی بافی ایران در هر حال در خطر است زیرا شبیه نیست که اگر تا بحال توانسته است با مقابله و سابقه بیکانه ها مقاومت کند فقط بواسطه بیکانه اختصاص

لازم است متهای اهمیت را به نتایج آتیه این اقدام داد و دانست که بدون هراس اظهار میداریم که بی اندازه لازم است دولت اقدامات خیلی جدی برای حراست این بیکانه صنعت ملی و جلوگیری از نابود شدن آن بنماید .

در مملکتی که سرمایه نادر ، صنعت گران از همراهی محروم و شرکت های تعاونی ، که خواص آن در مواقع بحران بیش از پیش واضح میگردد ، هرگز وجود نداشته اند اثرات تعطیل موقتی این صنعت معلوم است چه خواهد بود .

صنعت گر مجبور است روز مره زندگی کند و اگر حرفه او معاش لازم را ، موفقه هم که باشد ، برای او فراهم نسازد ، پیشه دیگری که بنظر او با فایده تر باشد پیش خواهد گرفت .

در حین اینکه باید منافع صنعت قالی بافی ایران را حفظ کنیم اگر اقدام معهود مداومت کنند مجبوریم شامت آتیه تجارت امریکا را نیز یاد آور شویم . دلایل ذیل نظریات ما را واضح خواهند کرد :

۱) امریکا بیکانه مشتری ایران است .
۲) کمپانی های امریکائی یا شرکت هائی که مرکز آنها در نیو یورک و شعبه متعدده دارند صاحب کارخانجات قالی بافی در همدان - سلطان آباد - کرمان و مراکز عمده دیگر میباشد .

۳) اینک بسیاری از سرمایه داران امریکائی شریک شده اند که کارخانجات دیگر در مراکز فوق الذکر دایر نمایند .

۴) صنعت مخصوصی که وجود آن بسته به صنعت قالی بافی مشرق است در امریکا ایجاد شده و آن عبارت از قالی شوتی است . این صنعت که فوق العاده برای

قالی های ما : رنگ ثابت و خصوصیت بشم ان بوده است .
 اگر این دو عامل حیوتی منهدم شوند این صنعت دیگر هرگز سر بلند نخواهد کرد .
 نقصان فوق العاده که از اول جنگ در سرمایه هاییکه بمصرف این کار مبرسیده حاصل گشته ، ثابت میکنند که هنوز هیچ نشده ، بواسطه تصمیم درممانعت ورود مال -
 التجاره های زیتنی باروپا ، خسارتی متوجه آن آشته است .
 باید امیدوار بود که دولت امریکا از این دلایل متقاعد شده و دولت علیه هم البته این دلایل را تقویت خواهد نمود ولی در صورتیکه جدیت در این تصمیم توافق نظری

را فراهم نسازد بهتر این است که پیشنهادات بینا بین مثل پیشنهاد ذیل بنمایند : قرارداد هائی در امریکا انتشار بدهند که بوسیله آنها صنعت گران برای قالی باقی اجیر شده و پس از جنگ قالی های بافته را بصاحبانش تسلیم کنند .
 این اقدام باعث رفع تعطیل وفراموش نکردن طریقته های معموله خواهد بود .
 بالاخره احصائیه تعرفه گمرکی همواره میتواند موقع حفظ منافع این یگانه صنعت ملی را بدولت علیه خواطر نشان کند .

واهر نگامف

عضو فنی اداره کمال فلاح و تجارت

متن فرانسه این مقاله در صفحه ۸۸ است .

تقریظ

کنج شایگان

یا

اوضاع اقتصادی ایران

با هتمام مخصوص آقای سید محمد علی جمال زاده

کتابیست که در سال گذشته (۱۳۳۵) از سلسله نشریات اداره ، ، کلاوه ۵۰ در برلن در چاپخانه کاپویانی بطبع رسیده - هم از حیث ظرافت و هم از سود مندی مندرجاتش شایان توجه است . اطلاعات مبسوطه دقیقه که از منابع موثقه مختلفه ایران و بیگانه اخذ شده خواندن این کتاب را بسی مفید ساخته بطوری که میتوان گفت در نوع خود منفرد و تابحال چنین مجموعه سود مند بزبان پارسی تالیف نشده است و مادر آئینه قسمت های مفید آنرا در همین مجله درج خواهیم نمود .



celle du "pavot" en particulier.

3).—La teinture des laines en souffrirait surtout. L'oubli des anciennes méthodes, basées sur l'utilisation d'ingrédients végétaux tels que la garance, la gaude, l'indigo naturel qui sont tout à fait nécessaires au maintien de la caractéristique du tapis, provoquerait la propagation déféctueuse des colorants d'aniline.

4).—L'arrêt momentané de l'industrie du tapis entraînerait rapidement l'arrêt du commerce des laines et la désorganisation des services spéciaux de transport (caravanes du Sud).

L'industrie du tapis de Perse risque de toute façon d'être ruinée parcequ'il est indiscutable qu'elle n'a pu jusqu'à présent braver la concurrence étrangère que grâce à ce qui a toujours caractérisé notre tapis indigène: LA TEINTURE INALTÉRABLE ET LA SPÉCIALITÉ DES LAINES.

Si ces deux facteurs vitaux sont détruits la manufacture ne se relèvera jamais.

La diminution considérable, depuis le début de la guerre, des capitaux engagés dans cette industrie prouve

qu'elle est déjà dangereusement atteinte par les mesures visant l'importation des marchandises de luxe, décrétées en Europe.

Espérons que le Gouvernement américain tiendra compte des revendications justifiées que le Gouvernement Impérial n'hésitera pas à émettre à l'appui de ces quelques arguments; mais dans le cas où la rigueur de la mesure empêcherait toute conciliation, il serait avantageux de proposer des mesures mixtes dans le genre de celle-ci: Propager en Amérique des contrats pour la fabrication de tapis livrables après la guerre.

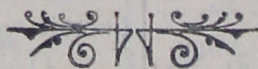
Cette mesure maintiendrait l'activité des métiers et empêcherait l'oubli des méthodes.

Enfin le relèvement du tarif douanier pourrait toujours fournir au Gouvernement Impérial l'occasion de sauvegarder les intérêts de l'unique industrie nationale.

VAHRENKAMPF

Fonctionnaire technique au Ministère de
l'Agriculture, du Commerce et des
Travaux Publics.

Pour la traduction persane voir page: 85



Revue

Agricole et Commerciale

I^{ère} année

N^o 5

22 Mai 1918

Une menace pour l'industrie du tapis de Perse.

Une nouvelle dont les conséquences pour l'industrie du tapis peuvent devenir très graves vient d'être transmise à Téhéran par l'intermédiaire de la Légation des États-Unis:

L'IMPORTATION DES MARCHANDISES DE LUXE EST INTERDITE AUX ÉTATS-UNIS D'AMÉRIQUE.

Il est nécessaire d'attacher la plus grande importance aux résultats que pareille mesure entraînera dans la suite et j'ose émettre sans la moindre appréhension qu'il est de toute nécessité d'exiger de la part du gouvernement une intervention protectionniste tout à fait sérieuse afin de combattre la ruine de notre unique industrie nationale.

Les effets de l'arrêt momentané d'une industrie dans ce pays où les capitaux sont rares, où les unions coopératives dont les bienfaits sont sans cesse reconnus en temps de crise, n'ont jamais existé, ne sont ignorés de personne.

L'artisan est obligé de vivre "au jour le jour" et si son métier cesse, ne fût ce que passagèrement, de lui procurer le strict nécessaire, il en choisira un autre qu'il jugera plus lucratif.

Nous sommes également obligés, tout en défendant la cause de la manufacture du tapis en Perse, de rappeler la gravité de l'avenir réservé au commerce américain si la mesure dont il s'agit est maintenue.

L'argumentation suivante ne laissera subsister aucun doute sur notre manière de voir.

1).—L'Amérique jouit en ce moment de toute la clientèle persane.

2).—Des compagnies américaines, ou ayant leur

siège à New-York et de nombreuses succursales, possèdent des manufactures de tapis à Hamadan, Sultanabad, Kerman et dans d'autres centres des plus importants.

3).—Des capitaux américains sont rassemblés en ce moment dans le but d'installer en Perse de nouvelles manufactures dans les centres qualifiés.

4).—Une industrie spéciale qui ne doit son existence qu'à l'industrie du tapis d'Orient s'est fondée en Amérique: LE LAVAGE ET LA TRANSFORMATION DU TAPIS. Cette industrie de première importance pour le commerce intérieur des tapis aux États-Unis est menacée de ruine.

5).—L'industrie des colorants synthétiques comprenant entre autres la fabrication des dérivés d'alizarine et d'antraquinone, récemment fondée en Amérique dans le but de rivaliser avec l'industrie chimique allemande INTÉRESSE TOUT PARTICULIÈREMENT LA MANUFACTURE DES TAPIS DE PERSE.

Ces raisons sont appuyées par les suites réservées à notre industrie du tapis si l'importation en est momentanément interdite.

La mise en vigueur de pareille mesure provoquerait très rapidement en effet:

1).—L'arrêt momentané de la manufacture locale qui amènera la ruine complète de plusieurs régions industrielles et empêchera définitivement peut-être la renaissance de cette industrie.

2).—L'arrêt momentané de l'industrie du tapis entraînera à l'oubli des anciennes méthodes dans le choix et la sélection des laines, l'élevage du mouton, la filature, le tissage et la culture des plantes tinctoriales, cultures qui seraient supplantées par d'autres,